

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۹

## "عبدالله" سمت و جایگاهش را مشخص ساخت!



بعد از ختم دور نهم مذاکرات بین طالب و امریکا، "زلمی خلیلزاد" جهت ابلاغ نتایج مذاکرات به کابل آمد تا با رهبران حکومت "وحدت ملی" دیدار و آنها را در جریان توافقات قرار داده، بر مبنای آن وظایف بعدی شان را تعیین نماید. این که در این دیدار چه گفته شد تا کنون به خارج درز ننموده، مگر دقت در عکس بالا می رساند که "خلیلزاد" چه گفته و چه نقشی را بازی نموده است. لطفاً در عکس بار دیگر با دقت نظر اندازید:

در صدر مجلس "غنی احمدزی" به مثابه رئیس جمهور برحال دولت دست نشانده افغانستان نشسته است. به طرف راستش، "عبدالله عبدالله" رئیس اجراییه حکومت "وحدت ملی" در کنارش "خلیلزاد" و بقیه اعضای هیأت امریکائی من جمله سفیر امریکا در کابل. به طرف چپ "غنی احمدزی" نمایندگان دولت افغانستان از "دانش" معاون دوم "غنی احمدزی" گرفته تا "صدیقی" سخنگوی رئیس جمهور.

معنای مستقیمی که از مشاهده عکس استنباط می گردد، این است که "عبدالله" به رضا و رغبت و به امید آن که از جانب امریکائی ها به بازی گرفته شود، در سمت آنها قرار گرفته است. یعنی امریکائی ها برای دور زدن حکومت "وحدت ملی" در و از جریان مذاکرات، قادر شده اند ۵۰ درصد آن حکومت را همین حالا به سمت خود بکشانند.

با یک نظر اجمالی به تاریخ افغانستان و جهان می شود دید که سیاست استفاده ابزاری از رقبای قدرت، به منظور تأدیب و به راه آوردن تعدادی از دست نشانندگان خودسر و یا هم رقبای قدرت خود، همیشه وجود داشته است. این سیاست در افغانستان با آن که سوابق طولانی دارد، مگر به شکل امروزی آن دقیقاً از آغاز قرن ۱۹ یعنی بعد از شکست "شاه شجاع درانی" و عقب نشینی ظاهری اش به منطقه سند و بعد تر دست کمک به طرف "رنجیت سنگهه" و "انگلیس" دراز کردن، آغاز یافت.

در واقع این انگلیسها بودند که به "رنجیت سنگهه" که از جانب "شاه شجاع درانی" والی و حکمران ایالت سند افغانستان آنروز مقرر شده بود، تلقین نمودند که بیش از آن نمی بایست به "شاه شجاع" به حیث پادشاه افغانستان نگاه نماید و خود را ملزم به اطاعت از وی بداند، بلکه وی را می باید آواره ای بداند که در حاکمیت سند به مثابه پناهنده زندگانی می نماید.

از آن زمان به بعد می بینیم که به موازات نشستن یک فرد بر تخت کابل، انگلیسها، روسها، پاکستانیها، ایرانی ها و امریکائی ها فرد دیگری را همیشه در دامن خود نگهداری و پرورش داده اند چنانچه:

شاه شجاع علیه امیر دوست محمد خان- انگلیس ها

امیر دوست محمد خان علیه شاه شجاع- انگلیس ها

شاهزاده تیمور علیه امیر دوست محمد خان - انگلیس ها

سرداران محمد افضل خان و محمد اعظم خان علیه امیر شیر علی خان- انگلیس ها

سردار محمد یعقوب خان و سردار ایوب خان علیه امیر عبدالرحمان خان- انگلیس ها

اولاده سردار محمد یعقوب خان و خاندان طلائی علیه امیر حبیب الله خان- انگلیس ها

خاندان طلائی علیه اعلیحضرت امان الله خان- انگلیس ها

بقایای احفاد سردار محمد یعقوب خان علیه نادر شاه و ظاهر شاه - انگلیس ها

ببرک و مجموعه پرچم علیه تره کی و امین و خلقی ها- روسها

ضمن حفظ افراد مشهور باند امین - تره کی، پرورش گلاب زوی ها و بقیه خلقهای مخالف ببرک و پرچم و بالا آوردن

نجیب گاو- روسها

دلجوئی از ببرک علیه حاکمیت نجیب گاو- روسها

نگهداری، دلجوئی و حمایت از "گلبدین" علیه "ربانی- مسعود"- پاکستان

نگهداری، دلجوئی و حمایت از "گلبدین" علیه طالب - ایران و پاکستان

نگهداری و حمایت از طالب علیه "کرزی"- ایران و پاکستان

حمایت مادی و معنوی از "کرزی" علیه "غنی احمدزی"- پاکستان، ایران و روسیه

حمایت از "عبدالله عبدالله" علیه "غنی احمدزی"- امریکا، روسیه، ناتو و ایران

در تمام این خط طولانی، هدف همیشه یک چیز بوده است: استفاده ابزاری از این و یا آن فرد علیه فرد بر سر اقتدار، تا فرد اول را وادار به پذیرش تمام خواسته هایشان بنمایند. به عبارت دیگر رقبای قدرت و حریفان حاکم بر سر اقتدار نزد استعمار و قدرت های متجاوز خارجی، همان شمشیر داموکلس معروفی بوده اند که همیشه بر بالای گردن حاکم بر سر

اقتدار آویزان و حین ضرورت بر گردنش فرود آورده شده، برخی ها را وادار به فرار ساخته است و تعدادی را گردن بریده است.

خوانندگان گرامی!

این که ما از "غنی احمدزی" و سیاست های ضد ملی، تفرقه افکنانه و خاینانه اش بحق نفرت داریم، حق ماست و می باید نفرت منفعلائے خود را به نیروی تغییر دهنده مبدل نموده با تمام قواء بکوشیم تا این سمبول وابستگی و ننگ را به زیر کشیده و به زباله دان تاریخ بفرستیم. مگر نفرت و تقابل نباید بدان بینجامد که خاین ملی دیگری یعنی "عبدالله" از آن سود برده، با بالا کشیدن خودش بر سریر قدرت، وابستگی و انقیاد را ادامه دهد.

این را باید بدانیم که برای مردم افغانستان انقیاد طلبان و جواسیس به هر قوم و تباری که تعلق داشته باشند تمام آنهایی که در رکاب امپریالیسم و اشغالگران امپریالیستی قرار دارند، همه خاین به کشور و دشمن مردم ما هستند. این را باید بدانیم که اگر خواسته باشیم آزاد و فارغ از زنجیر های اسارت استعماری زندگانی نمائیم، می باید از روی اجساد آنها گذشته، درفش آزادی کشور و رفاه مردم ما را بر افزایشیم.